

پروانه سلحشوری: | طرح‌ها در مجلس، قبلا تصویب می‌شود!

پروانه سلحشوری نماینده مردم تهران در مجلس در گفت‌وگوی تفصیلی خود به سختی‌ها و موانعی که یک پروانه سلحشوری نماینده اصلاح طلب در پارلمان با آن مواجه است اشاره می‌کند، او معتقد است تکلیف مجلس به خوبی مشخص است، زیرا برای مجلس تکلیف مشخص می‌کنند. سلحشوری براین عقیده است که بسیاری از طرح‌هایی که از سوی اصلاح‌طلبان ارائه و با مخالفت اصولگرایان و شورای نگهبان مواجه می‌شود، در مجلس بعدی از سوی همان اصولگرایان مطرح و اتفاقا با آن موافقت هم می‌شود و این مانع تراشی‌های صرفا برای نمایندگان جریان اصلاح طلب است. در ادامه مشروح این گفتگو را بخوانید:



*خانم سلحشوری بگذارید گفتگو را با موضوع عدم ثبت نام شما شروع کنیم، چه شد که ثبت نام نکردید؟ آیا فکر می‌کردید رد صلاحیت می‌شوید و برای همین وارد میدان نشدید یا دلیل دیگری داشت؟

من پوشه مدارکم را آماده کرده بودم و با یکی از همکاران قرار گذاشته بودیم که ساعت ۱ ظهر برای ثبت نام در وزارت کشور باشیم. حتی با ماشین از در وزارت کشور هم عبور کردیم، اما هرکاری کردم دلم راضی به ثبت نام نشد و نتوانستم خودم را برای این کار قانع کنم. خاطرم هست زمانی از طرف مجلس به یک کشور اروپایی رفته بودیم، در پارلمان این کشور که حضور پیدا کردیم طی صحبتی که با نمایندگان داشتیم، می‌گفتند اینجا ابتدا برای تصمیمات در مجلس، وجدان فردی اولویت و اهمیت دارد و بعد از آن تشکیلات سیاسی. من نیز باید وجدانم را برای ثبت نام راضی می‌کردم. همه آشنایان و دوستان می‌گفتند که حتما ثبت نام کنم، زیرا هم شرایط مناسب است و هم جامعه و مجلس به وجود تو نیازمند است. من از یک طرف به مشکلات ساختاری که برای ثبت نام آوردم باور داشتم و از طرفی دلایل شخصی هم داشتم. موضوعی که در حوزه فردی برایم مهم بود، حرفی بود که خودم عنوان کرده بودم. به نظرم اگر سر حرفم نمی‌ماندم نمی‌توانستم صداقت را معنا کنم. برای من پایبندی اخلاقی مهم است و نمی‌توانستم با خودم کنار بیایم و بگویم اگر سیاسی است و می‌شود، حرفم را تغییر بدهم. واقعیت این است که از نمایندگی خسته نشده‌ام و برخلاف همه مشکلات، چالش و مبارزه را بسیار دوست دارم.

طرح‌ها از قبل در مجلس دهم تصویب می‌شود به دلیل اینکه اعلام کرده بودم در مجلس بعدی حضور پیدا نمی‌کنم و مجلس قدرتی ندارد، نمی‌توانستم این را نادیده بگیرم و برای انتخابات مجلس یازدهم ثبت‌نام کنم. معتقدم همین طرح‌هایی که ما به سختی و با هزار و یک مانع سعی کردیم آن‌ها را تصویب کنیم، اما اجازه ندادند، در مجلس بعدی همین مخالفان به راحتی آن‌ها را تصویب می‌کنند. باید بگویم که این ما نیستیم که در مجلس طرح‌ها را تصویب می‌کنیم، بلکه طرح‌ها از قبل تصویب می‌شوند! حقیقتا باید بگویم نمایندگان در مجلس آن اراده لازم را ندارند، حتی اگر همه آن ۲۹۰ نفر نماینده هماهنگی و اراده لازم را داشته باشند، اگر شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام آن نظر و اراده را وتو کند؛ آن تصمیم جمعی هیچ اهمیتی نخواهد داشت. ما از لحاظ قانونگذاری نمی‌توانیم کاری انجام دهیم، به معنای دیگر موانع زیادی روبرویمان قرار دارد. بعضا حتی در کمیسیون‌های خودمان هم با مشکل مواجه می‌شویم. شاید باورتان نشود، اما جلسه کمیسیون هفته‌ای ۴ ساعت است و بعضا پیش می‌آید که ما ساعت‌ها فقط بر سر یک کلمه بحث می‌کنیم! خب این چه نوع قانون گذاری است؟

* فکر می‌کنید در مجلس بعدی خلا شما احساس خواهد شد؟
لطف مردم و نزدیکان برای عدم ثبت نامم در انتخابات مجلس، ناشی از محبتی بود که به من داشتند. خلاء حضور من در مجلس آینده حتما پر می‌شود. مگر پیش از اینکه به مجلس بیایم کسی مرا می‌شناخت؟ ما در لیست ذخیره بودیم و از ابتدا به ما می‌گفتند شما ذخیره هستید، اما بالاخره از همین تیم ذخیره برخی افراد آمدند که توانستند اعتماد مردم را جلب کنند. عملکرد من در مجلس به همین نطق‌ها ختم نمی‌شود و فعالیت‌های زیادی در مجلس انجام دادم و حتی همین شورای نگهبانی که من در بسیاری از مواقع آن‌ها را نقد می‌کنم در بسیاری از مواقع همکاری‌های بسیار خوبی با ما انجام دادند. خصوصا در حوزه قانونگذاری ایراداتی که می‌گرفتند بسیار دقیق و خوب بود. در کنار همه نقدهایی که به آن‌ها دارم، اما ایرادهای قانونی که می‌گرفتند در اکثر مواقع دقیق بود. من از عملکردم در مجلس دفاع می‌کنم، زیرا اقدامات خوبی انجام دادم، مثلا وزارتخانه شدن سازمان میراث فرهنگی، یکی از کارهایی بود که من بسیار برای آن تلاش کردم، کاری که ۲۰ سال بی‌نتیجه مانده بود را در این دوره با همکاری همکاران به سرانجام رساندم، کاری بس بزرگ بود.

در مجلس صدای زنان جامعه بودم واقعا برای رسیدن به بحث عدالت جنسیتی و تصویب آن نیز تلاش کردم، تلاشی که ابتدا با مخالفت و موانع زیادی روبه‌رو بود، اما در نهایت

با همه سختی‌ها تصویب شد. جالب این است که حتی اصولگرایان هم می‌گویند ما به عدالت جنسیتی معتقد هستیم. همه این اقدامات گام‌های کوچک و روبه‌جلویی است که با هزاران سختی و مانع بالاخره برداشته شد. معتقدم ما در مجلس صدای زنان شدیم و در همه کمیسیون‌ها و نطق و سوالات و تذکراتم برای مسائل زنان بود. *شما می‌گویید اقدامات مثبت و رو به جلویی انجام داده‌اید، از آن سو هم می‌گویید مجلس توانایی زیادی ندارد، آیا این‌ها باهم منافاتی ندارد؟

نمی‌گویم که تکلیف مجلس مشخص نیست، اتفاقاً تکلیف مجلس کاملاً مشخص است، به معنای دیگر برایش تکلیف مشخص می‌کنند. معتقدم زمانی که یک نهاد و سازمان بعد سیاسی پیدا نکند، می‌تواند کار کند. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بعد سیاسی و ایدئولوژیک نداشت. جایی که مجلس با ستون‌های سیاسی که با فکر آن‌ها همخوانی نداشته باشد همراه شود؛ آن زمان هرچقدر که فریاد بزنید بازهم صدایتان به جایی نمی‌رسد. مشکلی که ما داریم مشکل ایدئولوژیک است.

خواسته‌هایم با مجلس و شورای نگهبان محقق نمی‌شود مثلاً ما زمانی که بحث خروج زنان از کشور را مطرح کردیم یکی از نمایندگان اصولگرا به ما گفت زنان ما اکنون از خانه تا مسجد هم بدون اجازه حق ندارند بروند، بعد شما بحث گذرنامه را مطرح می‌کنید؟ یا همین ازدواج دختران زیر ۱۳ سال! بسیاری از مشکلات و مسائل ما ناشی از قانون نیست، ناشی از نوع فرهنگ جامعه است. ولی نیاز به قانون برای اصلاح این قبیل فرهنگ‌ها حتماً ضرورت دارد. واقعیت این است که من دیدم خواسته‌هایی که دارم نه در مجلس محقق می‌شود و نه با شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ پس مناسب دیدم فعالیت‌هایم را در قالب دیگری آغاز کنم و کماکان صدای زنان جامعه‌ام باشم.

*یعنی خواسته‌هایتان از طریق مجلس و قدرتی که دارید قابل تحقق نیست، اما با حزب، بنیاد، NGO یا هرکار دیگری انجام شدنی است؟ حرف شما کاملاً درست است، اما این بازهم یک پیش فرض است، اینکه من می‌توانم این کار را انجام دهم در آینده مشخص خواهد شد. مسئله این است که خروج من از مجلس به معنای پایان فعالیت سیاسی و اجتماعی نیست. اتفاقاً پرتوان‌تر از قبل ادامه خواهم داد.

*از ادامه راه خسته شده‌اید؟ آیا می‌توان گفت که دیگر آمیدی به آینده و متعادل شدن شرایط ندارید؟

این را می‌دانید که اگر من در مجلس می‌ماندم از منظر سیاسی و امنیتی، امنیت بیشتری داشتم و شرایط بهتری داشتم؟ بسیاری از دوستان به من گفتند که بخاطر امنیت خودت بازهم در مجلس حضور پیدا

کن؛ که من حتی این را هم نخواستیم. فشارهایی که در این ۴ سال روی من بود نه تنها بیرون از مجلس، بلکه حتی از داخل مجلس هم وجود داشت و از درون مجلس هم گاهی اذیت می‌شدم. من فکر می‌کنم بهتر هم می‌توان کار کرد، بالاخره این هم یک امیدی است که دارم.

*در چه شرایطی شما به مجلس برمی‌گردید؟ چه شرایطی ایجاد یا تغییر کند؟

من چگونه بر سرکار بیاییم زمانی که جوانان هنوز شغلی ندارند؟ چگونه به مجلس بیاییم آنهم زمانی که آقای جنتی با بیش از ۹۰ سال سن، از جوانگرایی و حضور جوانان در مشاغل صحبت می‌کند؟ این تناقضها واقعا اذیت کننده است. معتقدم مردم از شرایط ناراضی هستند، هر زمان که مردم رضایت داشتند شاید برای حضور در مجلس بار دیگر اقدام کنم. من حتی به این هم فکر می‌کردم که شروطی را تعیین کنم و بگویم اگر این شروط محقق شود، مانند تصویب کودک‌همسری و ... در انتخابات مجلس شرکت می‌کنم. اما به طور کل باید بگویم اگر زمانی آمد که مردم از شرایط موجود رضایت داشتند، من بازهم به مجلس می‌آیم.

لاریجانی به عنوان رئیس مجلس هرکاری می‌تواند انجام دهد

*برگردیم به داخل صحن مجلس، هیات رئیسه و شخص رئیس مجلس چقدر در تصمیمات و لابی‌ها موثر هستند؟

زمانی که شخص لاریجانی رئیس باشد در تصمیم نمایندگان بسیار تاثیر دارد، حتی زمانی که برای رای دادن اختصاص می‌دهد هم بسیار مهم است. برخی مواقع ده ثانیه، ۲۰ ثانیه یا بیشتر زمان می‌دهد. خاترم هست برای طرح بازنشستگی پیش از موعد حتی ۱۰ ثانیه هم زمان ندادند، زیرا من داشتم با خودشان صحبت می‌کردم و حتی وقت نکردم به پشت میز بروم و رای بدهم. اما در کل باید بگویم بله ایشان توانایی و قدرتی فراتر از یک نماینده دارند و به عنوان رئیس مجلس می‌توانند کارهایی را انجام دهند.

کتمان نمی‌کنم که ایشان فرد بسیار توانمندی است و در مواقع حساس می‌داند که باید چگونه رفتار کند. مثلا بحث آقازاده ماساژور که پیش آمد، با توجه به اینکه من و آقای لاریجانی تفکرات و عقایدمان بسیار با هم متفاوت است، اما صراحتا از من دفاع کردند، کاری که فراکسیون امید و خصوصا فراکسیون زنان واکنشی نسبت به آن نداشتند و حتی صدایشان درنیامد. واقعیت این است از طرف هر دو فراکسیون از منظر اخلاقی و مسئولیت اجتماعی انتظار ورود و واکنش نسبت به این موضوع را داشتم که محقق نشد بخصوص که تمهیدها به شأن انسانی من بود، اما گویی انتظار من از فراکسیون‌ها زیاد بوده است.

*شما اداره و ریاست لاریجانی را قبول دارید، در انتخابات رئیس

مجلس شما به چه کسی رای دادید؟
من در تمام رای گیری‌های ریاست مجلس به آقای عارف رای دادم.
*به نظرتان آقای عارف توانایی آقای لاریجانی در اداره جلسات مجلس را دارد؟

با توجه به برخی پیش‌فرض‌ها می‌توانست این امید باشد.
*چرا به او رای دادید؟ کسی که به او در خصوص سکوتش در مجلس همواره مورد نقد بوده است.

اول باید بگویم صحبت کردن با اداره کردن جلسات متفاوت است،
اتفاقا آقای عارف جلسات فراکسیون را به خوبی اداره می‌کند. در ضمن
معاون آقای خاتمی و سر لیست اصلاح طلبان بودند و البته به نظرم
اداره کردن صحن هم کار چندان سختی نیست.

حلقه نزدیکان عارف اجازه نمی‌دهند واقعیت‌ها دیده شود
*فکر نمی‌کنید که امیدی‌های مجلس خطای فاحشی انجام دادند؟ و بهتر
بود به جای رقابت بر سر رئیس مجلس که از همان ابتدا می‌دانستید
رای ندارد، رایزنی و لابی خود را برای ریاست کمیسیون‌ها می‌گذاشتید؟
من هم به حرف‌های شما اعتقاد دارم و حتی همین صحبت‌ها را در ابتدا
به عده‌ای از همکاران که موضوع را بررسی می‌کردند عنوان کردم. اما
نمایندگان در مجلس هستند که از حلقه نزدیک آقای عارف محسوب
می‌شوند و وقتی حرف می‌زنیم فکر می‌کنند که ما شناخت کافی نداریم و
در مقابل این موضوع گارد می‌گیرند. ما می‌توانستیم به جای ریاست
عارف، برخی از کمیسیون‌ها را در اختیار بگیریم یا حتی هیات رئیسه
را از نظر تعدادی بیشتر در اختیار داشته باشیم. اما طرز تلقی
نزدیکان عارف غالب بود. البته من با دوستانی که خارج از مجلس
بودند هم صحبت کردم و نظر آن‌ها نیز همین بود که عارف حتی برای
ریاست هم رای نیاورد، اما این حضور اصلاح‌طلبان به معنای اعلام وجود
آن‌ها در مجلس است که ساینرین وزن مجلس را با توجه به میزان تعداد
آرا او تشخیم می‌دهند.

عارف باید پاسخگوی استراتژی باخت اصلاح طلبان در هئیت رئیسه باشد
البته با وجود نظر دوستانمان در مجلس و همین‌طور خارج از مجلس ما
هم حمایت کردیم. ما نمی‌توانیم همه مسائل را از دید خودمان نگاه
کنیم، شاید این اقدام از دید آقای عارف یک کنش سیاسی بود. عارف و
هیات رئیسه بهتر می‌توانند پاسخگوی این استراتژی باشند. البته
تحلیل غلطی هم نبود، زیرا من و برخی از دوستان می‌دانستیم که چنین
اتفاقی رخ می‌دهد. وقتی این موضوع مطرح می‌شد و اگر نقدی بود،
دوستان امیدی در مجلس با ما به نحوی رفتار می‌کردند، که گویی ما
دلسوز نیستیم. عموماً در این شرایط ما نیز وقتی این برخوردها را
می‌دیدیم بحث نمی‌کردیم و می‌پذیرفتیم.

*فراکسیون زنان با ابراهیم رئیسی رئیس قوه قضاییه جلسه داشت، می‌خواهید درباره جزئیات این جلسه صحبت کنید؟
در این دیدار برخی از نمایندگان زن مورد عتاب و خطاب آقای رئیسی قرار گرفتند. اما من در مورد خودم وقت گرفتم و با او صحبت کردم.
*فراکسیون زنان در این دیدار لوح تقدیری به آقای رئیسی دادند، این اقدام با هماهنگی همه اعضا بود؟

خیر به هیچ عنوان، خانم اولاد قباد به عنوان رئیس فراکسیون زنان هیچ‌گونه هماهنگی و اطلاعی به ما در این باره نداده بود. البته به خانم اولاد قباد به دلیل این اقدام انتقاد هم شد.

ظاهر و باطن ابراهیم رئیسی کاملاً باهم متفاوت است
*اعتراض و تذکرهاى آقای رئیسی به کمیسیون زنان بود یا فردی؟

تذکر و اعتراض رئیسی به افراد بود و با هریک از زنان به نحوی سخن گفتند. من واقعا این وجهه آقای رئیسی را ندیده بودم و فکرش را نمی‌کردم که اینگونه باشد. نوع رفتار و برخورد و ظاهر او در جلسه علنی که مردم می‌بینند با آن جلسه غیرعلنی که با ما داشتند بسیار متفاوت بود. البته من که ظاهر شناس و باطن‌شناس نیستم، اما ایشان به خوبی دو وجه متمایز از خودشان نشان دادند.

*به نظرتان نظر مردم نسبت به رئیسی تغییر کرده است؟
بسیاری از زندانیان سیاسی ما هنوز در زندان هستند و اتهامات آنها نه تنها محرز نشده بلکه با بی عدالتی نیز مواجه شده‌اند. به نظرم هیچ‌گاه نباید سیاه و سفید نگاه کنیم و اقدامات مثبت ایشان را باید قدر بدانیم. اما در عین حال از برخی از اقدامات باید انتقاد کرد. از نظر برخورد با فعالان سیاسی و اجتماعی به نظرم هیچ تغییری نسبت به دوره ریاست آملی لاریجانی ایجاد نشده است.

امیدوارم اقدامات ابراهیم رئیسی به ضرر کشور تمام نشود
*آقای رئیسی به دنبال این است تغییر ایجاد کند یا اینکه نگاه‌ها را به خودش تغییر دهد؟ آقای روحانی در مناظرات انتخابات ریاست جمهوری به رئیسی گفتند علما هم از شما دل خونی دارند.

رئیسی نسبت به روسای قبلی قوه قضاییه جوان‌تر است و از دل قوه قضاییه برآمده است و رویکردش متفاوت است. معتقدم آقای رئیسی خیلی خوب می‌داند که دارد چیکار می‌کند و آرزویم این است این کارهایی که به خوبی می‌داند در نهایت به ضرر مردم کشور تمام نشود.
*چند فرزند دارید؟ آیا تا به حال برای مسائل جنسی با فرزندان‌تان صحبت کرده‌اید؟

من سه فرزند دارم، یک دختر و دو پسر و متأسفانه به دلیل نوع فرهنگ و جامعه، همواره شرم داشتم از این اینکه بخواهم در این خصوص با فرزندانم صحبت کنم.

*زمانی که خود شما نتوانسته‌اید با فرزندان‌تان صحبت کنید، چگونه به عنوان نماینده می‌خواستید به مادران جامعه این را آموزش دهید و از نکات مثبت ۲۰۳۰ دفاع کنید؟

اینکه شما می‌گویید نکات مثبت ۲۰۳۰ مسئولان فرهنگی این را قبیل ندارند، اما شورای فرهنگی زنان به دلیل ضرورت این موضوع، در حال کار کردن روی آن است. وقتی کودکان دچار آسیب‌های جنسی می‌شوند، طبیعتاً به دلیل نبود آموزش است. همین شرم و حیایی که ما در فرهنگ و خانواده‌هایمان از کودکی داشتیم و با آن بزرگ شدیم، باعث شده که به کودکان آموزش ندهیم. به نظرم آموزش خودمراقبتی باید یک اصل در آموزش و پرورش باشد، شاید اصلاً من به عنوان یک مادر هم نتوانم این آموزش‌ها را به درستی به فرزندم منتقل کنم. اما اگر مشاوران بتوانند خودمراقبتی را به صورت صحیح و اصولی به کودکان یاد دهند، دیگر تا این اندازه کودکان در معرض آسیب و تجاوز جنسی قرار نمی‌گیرند. بسیاری از خانواده‌های ما حتی به فکرشان هم نمی‌رسد که بخواهند در این خصوص صحبت کنند.

البته شخصاً نمی‌پسندم که بخواهیم مطالب دیکته شده از بیرون را در جامعه خودمان پیاده کنیم، زیرا به هرحال هر فرهنگی ساختار و چارچوب خاص خود را دارد. این شرم و حیایی که می‌گویم بسیاری از هم‌نسلان من دچارش هستند و ممکن است نسل بعدی این همه شرم را نداشته باشند. مادران فعلی راحت‌تر می‌توانند این مسائل را برای فرزندان‌شان آموزش دهند و مثلاً به دخترانشان یاد بدهند که اگر وارد رابطه شد و یا کسی او را آزار داد چگونه بتواند از خودش و جسمش مراقبت کند. لازم است که آموزش‌های خودمراقبتی از سنین پایین به فرزندان آموزش داده شود، زیرا بین آموزش خودمراقبتی و جنسی هم تفاوت وجود دارد.

در جامعه ما ناهنجاری غالب است

*به عنوان یک جامعه شناس خوانده، فکر می‌کنید وضعیت جامعه به سمت بحران و ناهنجاری در حال حرکت است؟

ناهنجاری یعنی هنجاری که من نمی‌پسندم، به طور مثال حجاب را نمی‌پسندم، اما تبدیل به یک هنجار در جامعه شده است و زمانی که یک بی حجاب می‌بینم، می‌گویم ناهنجاری رخ داده است. جامعه در شرایط «آنامیک» قرار دارد که به آن آشفتگی هم می‌گویند. ارزش‌ها تغییر کرده است و موضوعی که شاید برای حکومت ارزش است برای جامعه نیست و بالعکس، همین باعث شده که هیچ ارزشی در جامعه غالب نباشد؛ حتی ناهنجاری غالب نیست بلکه بدون هنجار است.

*یعنی دچار افراط و تفریط شده‌ایم؟

بله درست است، ما ۴۰ سال است که در کتمان به سر می‌بریم، ۴۰ سال

است که در زیر پوست شهر یک چیز می‌گذرد، اما مسئولین و رسانه‌ها چیز دیگری را عنوان می‌کنند. صدا و سیما را که می‌بینید آیا انعکاسی از زندگی واقعی مردم است؟ خیر. وقتی مسئولین نمی‌خواهند تغییرات را بپذیرند و مطابق با آن برنامه ریزی کنند نتیجه همین می‌شود. همین می‌شود که ۸۰ درصد معترضین اعتراضات آبان ۹۸ را جوانان شکل می‌دهند.

*آقای تندگویان اخیرا اعلام کردند که امروزه در خصوص جوانان با دو مشکل ازدواج سفید و مهاجرت علمی؛ ما ما از بحث ارتباط دو جنس مخالف خیلی وقت است که عبور کردیم و به چالشی به ازدواج سفید برخورده ایم!

من از آقای تندگویان متشکرم که بالاخره بحث مهاجرت‌های علمی را مطرح کرد؛ همین موضوع را آقای ستاری معاون علمی و فناوری تکذیب می‌کند. مهاجرت جوانان و نخبگان یکی از دغدغه‌های اصلی من است. فکر کنید تا چه اندازه روی این جوانان سرمایه گذاری می‌شود و در آخر این جوانان به ناچاری به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند! واقعا شرایط بسیار بد است و دیگر کسی در کشور نمی‌ماند. درباره بحث ازدواج سفید هم باید بگویم در شرایطی که شغل مناسبی وجود ندارد، وضعیت اقتصادی نامناسب است و جوانان ما امکان گرفتن عروسی، جهیزیه، رهن و اجاره خانه را ندارند و از سوی دیگر طلاق‌های بی رویه که صورت می‌گیرد، باعث می‌شود برخی از جوانان به سمت ازدواج سفید روی بیاورند. آمارها نشان می‌دهد که ۲/۳ ازدواج‌هایی که در شمیرانات استان تهران ثبت شده منجر به طلاق می‌شود. میانگین این آمار در کل کشور ۱/۳ است. متاسفانه سن روابط جنسی نیز همانند سن اعتیاد کاهش پیدا کرده است.

*سن روابط جنسی کاهش پیدا کرده است، خب تا چه زمانی می‌توان این موضوعات را کتمان کرد و به آن نپرداخت؟ واقعا چرا آموزش‌های لازم برای رفتارهای پرخطر داده نمی‌شود؟ آیا فکر نمی‌کنید که نمایندگان نتوانسته‌اند به درستی وجه مثبت طرح ۲۰۳۰ را نشان دهند؟

ما هم در تلاشیم تا بتوانیم آموزش‌های خود مراقبتی را به دختران و پسرانمان آموزش دهیم. من معتقدم کشور ما باید بتواند مصوباتی مانند ۲۰۳۰ را در خصوص آموزش‌های خودمراقبتی داشته باشد. شورای عالی زنان به جای گارد و مقاومت در قبال این طرح، باید جزئیات این طرح را با فرهنگ کشورمان مطابقت می‌دادند. متاسفانه هرکسی درباره ۲۰۳۰ صحبت می‌کند از نظر برخی به شدت خطوط قرمز نظام را زیر پا گذاشته است.

*مواضع شما درباره حجاب نیز جنجال آفرین بود، چرا برخی تا این اندازه به چادر سر کردن شما ایراد می‌گیرند؟

اعلام شد که من گفته‌ام بخاطر چادر، گردن و دست‌درد گرفته‌ام، در صورتی که هیچگاه من این حرف را نزدم و گفتم گرفتن چادر معمولی باعث تشدید آرتروز گردن و دست من می‌شود و مشکلی با اینکه دیگر چادر سر نکنم هم ندارم. زمانی که برای سخنرانی‌ها و جلسات به شهرهای مختلف می‌روم، طیف تندرو همیشه دو سوال از من دارند، یکی بحث شرکت‌هایم است که می‌گویند تو شرکت‌های اقماری بسیاری داری، یکی هم بحث چادر است که می‌گویند گردنت خوب شد گردن شکسته! درست با همین لفظ.

*دخترتان چادر به سر می‌کند؟

خیر به هیچ عنوان، پدرش در بچگی بسیار به او می‌گفت که حجاب چادر را انتخاب کند، البته چند سالی هم چادری بود، اما اکنون پوشش او مثل سایر جوانان جامعه است.